پژوهشنامه عرفان
دوفصلنامه علمی، سال سیزدهم،
شماره بیست وپنجم،
پاییز و زمستان ۱۴۰۰،
صفحات ۲۴۰-۲۲۱

تحلیل گفتمان انتقادی دو مناظرهٔ دورهٔ صفوی در رد و دفاع صوفیه

معصومه‌سادات میرپوریان* / محبوبه مباشری**

چکیده: کتاب‌های ردیه و دفاعیهٔ تصوف درزمرهٔ متون عرفانی هستند که به نقد تصوف می‌پردازند. دو اثر *اصول فصول التوضیح* و مناظرهٔ تمثیلی *پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش* که مبنای این پژوهش قرار گرفته است، جامع جدال علما و متصوفه در رد یا پذیرش نگرهٔ صوفیانه در دوران حکومت صفوی است. از طریق تحلیل گفتمان انتقادیِ این آثار موضع فقها دربرابر صوفیان و همچنین مواضع دفاعیه-نویسان در جانبداری از صوفیه روشن می‌شود. براین‌اساس برخی علما و فقها با تأثیرپذیری از ایدئولوژی- گفتمانی مسلط در دورهٔ صفوی، به صورت واضح و آشکار و با زبانی الزام‌آور تصوف را به بوتهٔ نقد کشیده و بعضی با همان وضوح از آن جانبداری کرده‌اند. در کنار این دیدگاه برخی نیز در بازی موش و گربه با زبانی اقناعی، قضاوت را برعهدهٔ خواننده گزارده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ردیه، دفاعیه، *اصول فصول التوضیح*، *پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش*، صفویه

---

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش عرفانی)، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)
e-mail:mansooresadatm@gmail.com
** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا e-mail:mobasheri@alzahra.ac.ir

مقاله علمی- پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۷/۲۰ ؛ پذیرش مقاله:۱۳۹۸/۸/۱۸

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

مقدمه:

در بستر تحولات اجتماعی و تاریخی، پذیرش و رد نگرۀ صوفیانه به گونه‌ای متفاوت بوده و هر بار به شکلی نمایان‌شده است؛ در دوره‌ای حاکمان به تصوف اقبال تام داشته و گاهی به نابودی آن‌ها پرداخته‌اند و در این زمینه‌های اجتماعی، نقد صوفیان شکل گرفته است. در دوره‌ای که تصوف با اقبال روبه‌رو بوده، انتقادها ملایم‌تر و در ضمنِ مطالب دیگر بیان شده و در بحبوحۀ نابودی سلسله‌های صوفیانه، قلم منتقدان نیز تند و بی‌پروا شده است. سابقۀ قدیمی‌ترین ردیه بر صوفیه، به قرن پنجم بازمی‌گردد که شیخ مفید کتاب *الرد علی اصحاب الحلاج* را نوشت. هرچند اصل این اثر در دست نیست اما برخی مطالب آن در ردیه‌های دورۀ صفویه دیده می‌شود. در دورۀ صفویه جدال فقها و متصوفه بالاگرفت و ردیه و دفاعیه‌نویسی به اوج خود رسید. اهمیتِ آثار این دوره آن است که مدافعان و مخالفان از زاویه‌های مختلف به نقد این پدیدۀ اجتماعی پرداخته‌اند. مسئلۀ اصلی این پژوهش آن است تا برمبنای تحلیل گفتمان انتقادی از دیدگاه نورمن فرکلاف (Norman Fairclugh) جریان ردیه و دفاعیه‌نویسیِ دورۀ صفویه بررسی شود. به همین منظور ابتدا بحثی در سیاست‌های دورۀ صفویه در ارتباط با طریقت تصوف بیان می‌شود و پس از آن مؤلفه‌های دو اثر *اصول فصول التوضیح* از تدوین‌گری ناشناخته و *پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش* از صدقی اصفهانی توصیف، تفسیر و تبیین می‌شود. مسئلۀ دیگر آن است که موضع‌گیری هرکدام از علما و فقها به عنوان منتقدان تصوف چگونه بوده است. بنابراین موضع‌گیری کلی نویسندگان مخالف و موافق تصوف به دلیل مجال محدود این مقاله به صورت کلی دسته‌بندی می‌شود تا چشم‌اندازی اجمالی از اندیشه‌های حاکم در این دوره در اختیار قرارگیرد. مسئلۀ بعدی آن است که شیوۀ پرداختن مدافعان و مخالفان به نقد تصوف به چه صورتی بوده است، برای این منظور مبنای این پژوهش بر دو مناظرۀ *اصول فصول التوضیح* بین محمدطاهر قمی (د ۱۰۹۸) و محمدتقی مجلسی (د ۱۰۷۰) و مناظرۀ تمثیلی *موش و گربه* نوشتۀ صدقی اصفهانی (قرن یازدهم) که جامع تفکرات نویسندگان این دوره است، قرارگرفته تا با تطبیق مؤلفه‌های هرکدام از این آثار، دیدگاه‌های مختلف دربارۀ هر مؤلفه روشن شود.

پرسش‌های این پژوهش از این قرار است:

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

۱. تأثیر بسترهای تاریخی و اجتماعی بر جریان ردیه و دفاعیه‌نویسیِ دورهٔ صفویه چگونه است؟

۲. هرکدام از علما و فقها کدام موضع را نسبت به تصوف برگزیده‌اند؟

۳. شیوهٔ پرداختنِ مدافعان و مخالفان به نقد تصوف به چه صورت بوده است؟

پیشینهٔ پژوهش: آثاری چون *نقد صوفی* اثر محمدکاظم یوسف‌پور یا یکی از مقاله‌های کتاب *تاریخ و جغرافیای تصوف* با عنوان «نقد تصوف: نقد اهل شریعت» یا کتاب *نقد صوفی از تصوف* متعلق به داوود اسپرهم به صورت کلی به نقد تصوف پرداخته‌اند. همچنین یکی از فصل‌های کتاب *صفویه در عرصهٔ دین، فرهنگ و سیاست* یا مقالهٔ «تحلیل گفتمانی رساله‌های ردیه بر تصوف در عصر صفوی» به صورت خاص دربارهٔ نقدهای دورهٔ صفویه به رشتهٔ تحریر درآمده است. هرکدام از این دو مناظره –*اصول فصول التوضیح* و موش و گربه– نیز به صورت مستقل به چاپ رسیده و در مقدمهٔ آن‌ها این آثار معرفی و نقد شده است. دو مقالهٔ «دل در تصوف عقل» و «موش و گربه» به توصیف این اثر پرداخته‌اند. در مقالهٔ «ناگفته‌هایی دربارهٔ آثار فارسی منسوب به شیخ بهایی» دربارهٔ انتساب این اثر به شیخ بحث شده است. مقالهٔ «گزیده‌ای از دست‌نویس‌های طنز، هزل، هجو و محاضرات ادبی» موجود در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نیز این اثر را به صورت بسیار مختصر معرفی کرده است. وجه تمایز مقالهٔ حاضر در جامعهٔ آماری مورد بررسی و مبنای نظری آن است.

۱. تصوف در بستر تاریخی دورهٔ صفویه

با قدرت و نفوذ صوفیان، سلسلهٔ صفویه به حکومت‌رسید و با اعمال سیاست‌های ضد صوفیانهٔ صفویان، تصوف به زوال گرایید. تا قبل از دورهٔ صفویه، حاکمان، وزرا، درباریان و عوام به تصوف اقبال تام داشتند، حتی با حمایت حکومت خانقاه‌هایی ساخته می‌شد و مواجبی نیز به آن‌ها تعلق می‌گرفت تا اینکه شیخ حیدر از خانقاه شیخ صفی، حرکتی سیاسی را آغازکرد که منجر به تشکیل حکومت صفویه شد، بدین ترتیب از دل خانقاه، جریانی سیاسی و قدرتمند شکل‌گرفت و همین امر باعث شد تا حاکمان، قدرت تصوف را که پشتوانهٔ مردمی محکمی داشت، تهدیدی جدی برای حکومت قلمداد کنند و سیاست تضعیف آن‌ها را در پیش بگیرند. این رویه با خراب کردن خانقاه‌های رقیب خانقاه شیخ صفی و از هم پاشیدن سایر سلسله‌های صوفیانه آغاز شد و به نابودی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

قزلباشان و حتی کشتار آن‌ها انجامید. جنبش ضد صوفیگری در دورهٔ شاه طهماسب شدت گرفت و با ظهور عبدالعالی کرکی - نخستین عالم مقتدر شیعه- جبههٔ فقاهت دربرابر تصوف، موضع استواری به دست آورد (رک جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۴۹). از آن پس تضادی در داخل حاکمیت جدید به وجود آمد؛ از یک طرف صوفیان، شاه را مرشد کل تلقی می‌کردند و از طرف دیگر فقیهان علاوه‌بر داشتن زمینهٔ اجتماعی و شرعی، ازسوی شاهان تقویت می‌شدند (رک جعفریان، ۱۳۹۱: ۵۱۷-۵۲۵). در بستر اجتماعی ایجاد شده ازسوی حکومت، فقها و علما هرکدام موضعی دربرابر تصوف اختیارکردند و بدین ترتیب از زوایای مختلف آثاری در رد یا دفاع از تصوف ایجادشد.

۲. موضع هرکدام از علما و فقها در قبال تصوف

تفکر انتقادی هرکدام از فقها و حکما از زوایه‌ای، مبحث تصوف را به بوتهٔ نقد می‌کشاند که در سه طبقه دسته‌بندی می‌شود:

دسته اول: نویسندگانی که کاملاً مخالف تصوف بودند و در ضمن آثار دیگرشان یا به صورت مستقل به رد صوفیه پرداختند، با آثاری چون *حدیقة الشیعة* (منسوب به محقق اردبیلی)، *اصول فصول التوضیح* (قسمت ردیهٔ محمدطاهر)، *تحفهٔ الاخیار* (محمدطاهر قمی)، *نصیحة الکرام و فضیحة اللئام* (محمدطاهر قمی)، *سلوة الشیعه و قوة الشریعه* یا *تسلیة الشیعه و تقویة الشریعه* (میرلوحی)، *توضیح المشربین و تنقیح المذهبین* (تدوین‌گر ناشناخته)، *رساله در رد صوفیه* (یکی از شاگردان محمدطاهر قمی)، *الاثنا عشریه فی‌الرد علی‌الصوفیه* (شیخ حر عاملی)، *رساله در رد جماعت صوفیان* (علی‌قلی جدیدالاسلام)، *ارغام الملحدین* (مؤلف ناشناخته)، *السهام المارقه من اغراض الزنادقه* (نبیرهٔ شهید ثانی)، *الاربعون فی مطاعن المتصوفین* (مؤلف ناشناخته).

دسته دوم: نویسندگانِ آثاری چون *اصول فصول التوضیح* (قسمت دفاعیهٔ مجلسی)، *تحفهٔ العشاق* (محمدکریم شریف قمی)، *تبصرة المؤمنین* (حکیم مؤمن) و *فتوح المجاهدین* (مؤلف ناشناخته) که به دلیل گرایشات عرفانی، در دفاع از تصوف، دفاعیه‌ای دربرابر ردیه‌نویسان تنظیم‌کرده‌اند.

دسته سوم: پدیدآورانِ آثاری چون *کسر اصنام الجاهلیه* (ملاصدرا) و *پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش* که به منظور نقد مشایخ دروغین و دفاع از عرفان واقعی به نوشتن ردیه روی آورده‌اند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

در این بین تعداد کتاب‌های ردیه بر تصوف بسیار بیشتر از دفاعیه‌هاست. درعین‌حال ردیه‌نویسان بسیار مفصل‌تر به نقد تصوف پرداخته‌اند. از بین این آثار در دو اثرِ *پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش* و *اصول فصول التوضیح* که مبنای مقاله بر این دو اثر قرار گرفته است، جامع تفکرهای حاکم در رد یا دفاع از تصوف در این دوره است؛ *پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش* گویای آن نوع از تفکر است که تصوف واقعی را قبول دارد اما با نقد رفتارهای دور از عرف و عقل صوفیان قصد دارد تا تصوف واقعی را از تصوف بازاری متمایز کند و *اصول فصول التوضیح* نمایندهٔ تفکر دو جبههٔ مخالف و موافق تصوف است که یکی سرسختانه می‌کوشد تا تصوف را از صحنهٔ اجتماع به طور کامل بیرون راند و جبههٔ دیگر به دفاع از آن می‌پردازد.

الف. *اصول فصول التوضیح*

این اثر، ردیهٔ قاضی قم، ملا محمدطاهر قمی بر تصوف، دفاعیهٔ محمدتقی مجلسی بر رد قمی و باز رد قمی بر دفاعیهٔ مجلسی را دربر دارد. در این مناظره محمدطاهر ابتدا کتابی در رد صوفیان می‌نویسد و مجلسی در دفاع از تصوف، رساله‌ای در پاسخ رد صوفیهٔ قمی می‌نگارد که نسخه‌ای از آن به دست قمی می‌افتد (بی‌نام، بی‌تا: ۱۸-۱۷) و قمی ردی بر دفاع مجلسی می‌نویسد.

> *دفاعیهٔ مجلسی و ردیهٔ دوم قمی بر مجلسی، در حاشیهٔ ردیهٔ اول قمی نوشته می‌شود و فرد دیگری (احتمالاً میرلوحی) آن سه متن را جمع‌آوری می‌کند و محاکماتی میان آرای آنان انجام می‌دهد که حاصل آن، توضیح المشربین و تنقیح المذهبین است* (جعفریان، ۱۳۹۱: ۵۵۹).

«مدوّن *اصول فصول التوضیح* که شناخته شده نیست، فصل چهارمِ *توضیح المشربین* را که شامل محاکمات میرلوحی بوده، حذف می‌کند و کتاب را فقط به مناظرهٔ مجلسی و قمی اختصاص می‌دهد و آن را *مختصر التوضیح* یا *اصول فصول التوضیح* می‌نامد» (بی‌نام، بی‌تا: ۱۸). این اثر که مشتمل بر ۲۳ باب است، به این ترتیب تنظیم‌شده که ابتدا سخن قمی، سپس مجلسی و باز پاسخ قمی آمده است.[۱]

ب. پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش:

این اثر که دارای نسخه‌های خطی[۲] کتاب‌های چاپ سنگی[۳] و چاپی[۴] متعددی است، با عناوینی چون *پند اهل دانش و هوش از زبان گربه و موش*، *جواهر العقود و جواهر العقول* شناخته می‌شود و

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

به بهاءالدین محمد عاملی معروف به شیخ بهایی، محمدباقر مجلسی میرداماد و جمال‌الدین محمدبن حاجی محمد فراوانی کراوج متخلص به صدقی اصفهانی منسوب است اما سبک نگارش این کتاب با آثارِ محمدباقر مجلسی در تباین است (رک دوانی، ۱۳۷۰: ۴۱۰) و ذکر نام او در ابتدای نسخهٔ شمارهٔ ۳۱۳ کاما می‌تواند به دلیل دستبرد کاتب باشد. این اثر از لحاظ سبکی با آثار شیخ بهایی سازگارتر است اما ازآنجاکه روشن نیست، نام شیخ بهایی بر چه اساسی در ابتدای کتاب‌های چاپی آمده و در مقدمهٔ آن‌ها نیز ذکر نشده، کتاب براساس کدام نسخه تصحیح شده است بنابراین دلیلی مستند بر تعلّقِ این اثر به شیخ موجود نیست. برای انتساب این اثر به میرداماد نیز هیچ قرینه‌ای وجود ندارد. به نظر می‌رسد، مصنف این اثر جمال‌الدین محمدابن حاجی محمد فراوانی کراوج متخلص به صدقی اصفهانی باشد؛ زیرا نام او در نسخه‌های ۱۰۵۷۴ ملی، ۳۳۴۰ دانشگاه تهران و ۲۴۳ دانشکدهٔ ادبیات (علی‌اصغر حکمت) ذکر شده است.[۵]

مناظرهٔ تمثیلی موش و گربه، در مقطع زمانی بسیار کوتاه برای رسیدن به مقاصدی انجام می‌شود و درمجموع، شکلی داستانی دارد که دارای مقدمه، طرح و توطئه، و نتیجه است (رک پورنامداریان،۱۳۸۳: ۱۶۸). در این تمثیل گربه بحث تصوف را آغاز می‌کند و با سرگرم کردن موش، طرح و توطئه‌اش را به انجام می‌رساند و درنهایت به نتیجهٔ مطلوب خود که خوردن موش است، دست می‌یابد. این دو برای منحرف‌کردن ذهن همدیگر به این مناظره که گفتمان اصلی آن روزگار بوده روی می‌آورند.

۳. تحلیل گفتمان انتقادی *اصول فصول‌التوضیح* و مناظرهٔ موش و گربه

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی جدید در مطالعات کلامی است. در این دیدگاه، «عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت در جامعه، نهادها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژی، صورت زبان و معانی را به وجود می‌آورند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲). در هر نهاد اجتماعی «یک صورت‌بندی ایدئولوژیک- گفتمانی مسلط و یک یا چند صورت‌بندی ایدئولوژیک- گفتمانی تحت سلطه وجود دارد. موضوع اصلی مبارزه بین نیروهای درون نهاد، حفظ سلطهٔ یک صورت‌بندی ایدئولوژیک- گفتمانی مسلط یا تضعیف آن است (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۴۹). برای انجام چنین تحلیلی، دو متن مذکور توصیف می‌شود، سپس تفسیر آن که ترکیبی از محتویات خود متن و

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

ذهنیت مفسر است، انجام می‌گیرد و درنهایت تبیین متن صورت می‌گیرد که هدف از آن توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است.

۳-۱. سطح توصیف

در این سطح ویژگی‌های صوری متن‌ها براساس واژگان، دستور و ساخت‌های متنی توصیف می‌شود. با توجه به مجال تنگ این پژوهش، مواردی بررسی می‌شود که جنبه‌های ایدئولوژیک آن برجسته‌تر است و تفسیر و تبیین نیز براساس همان‌ها انجام می‌شود.

۳-۱-۱. واژگان

در قسمت واژگان، ارزش تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی کلمات و همچنین استعاره‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱-۱-۱. ارزش تجربی کلمات

ویژگی صوریِ دارای ارزش تجربی، تجربهٔ تولید متن را از نهادی اجتماعی بازنمایی می‌کند؛ تفاوت ایدئولوژیک متون در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهند، در واژگان آن‌ها رمزگذاری می‌شود.

مؤلفه‌های *اصول فصول التوضیح* شاملِ سنی بودن صوفیان، نعره‌کشیدن، دست زدن، چرخیدن، عشق‌بازی با مردان و دختران، کاربرد عشق به‌جای محبت، ارتباط صوفیان با طریقت حلاج و بایزید، چله‌نشینی، خرقه‌پوشی، ملامتی بودن، ساززدن، ذکر کرامات، اتصال تصوف به معروف کرخی، بی‌رغبتی به مسجد، یکسانی کفر و ایمان در هنگام کمال و وحدت وجود، بازتابی از رخدادهای اعتقادی و رفتاری صوفیان است.

مؤلفه‌های *مناظرهٔ موش و گربه*، *فقر*، سلوک، طلب علم، متابعت از پیر، رفاهیت و مال‌طلبی، کم‌خوری و پرخوری، و کرامات است که رخدادهای رفتاری صوفیه را بازنمایی‌می‌کند.

ازطرفی قمی با عبارت‌بندی‌های به شدت مخالفت‌جویانه از تصوف انتقادمی‌کند که در سرتاسر متن فراوان است؛ از راه شرع و دین به غایت دور افتاده (بی‌نام، بی‌تا: ۱۴)، سفیهان، عابدان و ریاضت‌کشان اهل سنت (بی‌نام، بی‌تا: ۱۶)، در مقابل مجلسی این طریقه را طریقهٔ محمودهٔ اولیاءالله (بی‌نام، بی‌تا: ۱۴)، محققان و موحدان (بی‌نام، بی‌تا: ۱۹) و طریقهٔ اصحاب سر ائمهٔ معصومین (بی‌نام، بی‌تا:

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

۲۹) می‌داند. گربه نیز از عبارت‌های مخالفت‌جویانه علیه تصوف استفاده‌می‌کند؛ کودنان بی‌عقل و شعور، دیوانه، کافر (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۷۷)، تابع شیطان (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۷۲) که در سرتاسر متن اندک است.

قمی صوفیان را به تمسخر و ریشخند می‌گیرد؛

بعد از ریاضتی که متعارف تابعان حلاج و بایزید است، دماغ ایشان پریشان می‌شود و مقدمات مالیخولیا ظاهر می‌شود و در عالم خیال سیرها می‌کنند و هرچه می‌بینند گمان می‌کنند که آنچنان هست که دیده‌اند (بی‌نا، بی‌تا: ۶۸).

گربه نیز با عباراتی مشابه می‌گوید، اسرار صوفیان،

مانند بی‌هوشی و کیف کسی است که چون قلندری و جاهلی بنگ کشیده و اشتها بر او مستولی شده و چیز بسیار خورده و عقل و دانش از او زایل شده از جادهٔ خیالات مختلفه او را به هندوستان برده و بر تخت و پیل سوار شده، بزرگی‌ها و شوکت‌های خیالیه بیند و در اثر بخار معده و تاثیر کیف بنگ، وسوسهٔ شیطان از قبیل مکر و تزویر و چیزهای دیگر در خیال او صورت می‌بندد (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۷۹– ۱۷۸).

۲،۱،۱،۳. ارزش‌های رابطه‌ای کلمات

ویژگی صوری دارای ارزش رابطه‌ای بیانگر روابط اجتماعی است.در مناظرهٔ بین قمی و مجلسی، قمی همه‌جا مجلسی را با عبارت «حضرت آخوند» و مجلسی نیز قمی را با عبارت «مولانا» خطاب می‌کند، همچنین قمی، مجلسی را با عبارت‌های مخالفت‌جویانه خطاب می‌کند؛ دارای گفتگوهای ناخوش، بی‌اختیار، بی‌شعور (بی‌نام، بی‌تا: ۱۵) و از عبارت‌های نیشدار بهره می‌جوید؛ حضرت آخوند در دعواهای بی‌دلیل مردانه است (بی‌نام، بی‌تا: ۳۹). مجلسی هم قمی را مقلّد، متعصّب و دوستدار جاه و ریاست می‌داند که درد دین را از درد نفس تشخیص نداده (بی‌نا، بی‌تا: ۶۶-۶۵) و یک جا با تعریض می‌گوید، عجب از ادراک درّاک مولانا (بی‌نا، بی‌تا: ۷۴) و نیز می‌گوید، علما هرچند بیشتر مطالعه نمایند و بیشتر نقل‌کنند از برای ایشان بهتر است (بی‌نا، بی‌تا: ۷۹).

گربه، موش را دزد نابکار، مکار و حیله‌گر، ناپاک، حرامزاده و نادان، (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۹۹) خطاب می‌کند. هنگامی که موش در چنگ گربه اسیر است، موش او را شهریار عالی مقدار، ملک الموت و دارای جمال مردان (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۰۰) خطاب می‌کند و دربرابر او اظهار عجز و حقارت می‌کند و می‌خواهد که او را رهاکند زیرا؛ قدرت این دو با هم برابر نیست (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۰۰)، موش می‌گوید، امروز من در چنگال تو اسیرم اما بترس از فردایی که تو در چنگال روباهی گرفتار باشی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

(بهائی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). اما این ظاهری است و هرجا بتواند اهانت هم می‌کند به‌خصوص وقتی که برای نخستین‌بار از چنگال گربه فرارکرده است؛ اگر آن پسر مثل تو احمق نبود (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۱۹) در این زمان موش به شدت گربه را ملامت می‌کند که او را از دست داده است تاآنجاکه فریاد گربه را درمی‌آورد و گربه با دست بر سر خود می‌کوبد (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

۳،۱،۱،۳. ارزش‌های بیانی کلمات

ویژگیِ صوریِ دارای ارزش بیانی گویای ارزش‌یابی تولیدکنندهٔ متن است. جملات این دو اثر از نوع کنش بیانی مستقیم است؛ زیرا هرکدام از مشارکان قصد دارند تا از دیدگاه خود اطلاعاتی دربارهٔ صوفیه به مخاطبان اعلام‌کنند. استفاده از جملات بیانی پیوسته برای تأکید بیشتر بر گفته‌ای که هرکدام از ردیه یا دفاعیه‌نویسان می‌خواهند ذکرکنند، فراوان است.

ریاضت‌کشان اهل سنت که مخالفان اهل بیت نبوت‌اند چون به وادی تحصیل محبت افتاده‌اند، اجتهادات باطل کرده‌اند و خیال فاسد نموده‌اند و بر گمراهی خود ضلالت‌ها افزوده‌اند و در طریق طاعت، بدعت‌ها اختراع‌نموده‌اند (بی‌نام، بی‌تا: ۱۷).

در ارزش‌یابی تولیدکنندگان دربارهٔ صوفیه، همهٔ گفته‌های قمی در رد آن‌هاست. مجلسی مدام در پی دفاع است. موش نیز مدافع تصوف است اما گربه از تصوف واقعی دفاع می‌کند و تصوف بازاری را نقد می‌کند.

۴،۱،۱،۳. استعاره‌ها:

قمی صوفیه را غولان راه دین (بی‌نام، بی‌تا: ۱۴) و خر آسیا (بی‌نام، بی‌تا: ۶۵) خطاب می‌کند و طریقت آن‌ها را بیابان گمراهی می‌داند و در مقابل طریقت ائمه را شاهراه شریعت نبوی و طریقت مرتضوی برمی‌شمرد (بی‌نام، بی‌تا: ۱۴) و سالکان واقعی را افرادی می‌داند که طریقهٔ اهل بیت را شعار و دثار خود ساخته‌اند (بی‌نام، بی‌تا: ۷۸). گربه نیز طریقت آن‌ها را صراط خطرناک ضلالت و وادی گمراهی می‌داند که آن را در لباس تقوا و حقیقت‌شناسی و عرفان‌بافی جلوه داده‌اند (بی‌نام، بی‌تا: ۱۸۶).

نویسندهٔ مناظرهٔ موش و گربه از همان ابتدا موش را نفس اماره و گربه را قوهٔ متخیله تصور می‌کند (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۲۹ -۱۲۸). گربه، گفته‌های موش را خرمهره‌ای می‌داند که به‌جای درّ شاهوار در بازار صرافان روشن‌دل جلوه داده است (بی‌نام، بی‌تا: ۱۶۲).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

۳-۱-۲. دستور

در این قسمت، ویژگی‌های دستوری دارای ارزش‌های تجربی و همچنین وجهیت جملات بررسی می‌شوند.

۳- ۱- ۲- ۱. ویژگی‌های دستوریِ دارای ارزش‌های تجربی

در این بحث فرایندها، کنشگران و مشارکان مسلط و همچنین اسم‌سازی مدنظر است. سؤال و جواب قمی و مجلسی دو فاعل اصلی دارد که هر دو عالم دینی‌اند؛ یکی از آن‌ها مخالف سرسخت تصوف است و دیگری مدافع آن. موش و گربه نیز دو فاعل اصلی مناظرهٔ تمثیلی‌اند؛ گربه در هویت اجتماعی عالم و موش در هویت صوفی. در هر دو مناظره کنشگران که صوفیه‌اند، کاملاً مشخص‌اند که مشارکان با صراحت از آن‌ها نام می‌برند و قصد دارند تا حتماً نام آن‌ها برده شود. بنابراین معمولاً جملات معلوم است.

قمی همه‌جا صوفیان را تابعان حلاج و بایزید برمی‌شمرد و حتی یک بار هم از لفظ صوفی استفاده نمی‌کند. وی مشایخ صوفیه را با صفاتی چون شیخ ملعون (بایزید) (بی‌نا، بی‌تا: ۲۶)، احمق و خدا ناشناسِ بی‌دین (علاءالدوله سمنانی) (بی‌نا، بی‌تا: ۴۴ و ۴۶)، مخرب دین (عبدالرزاق کاشی) (بی‌نا، بی‌تا: ۴۶)، سرِ اشقیا، شیخ شیطان‌صفت و دروغگو (ابن‌عربی) (بی‌نا، بی‌تا: ۵۷ و ۵۹) خطاب‌می‌کند و گفته‌های بایزید را کفرآمیز، گفته‌های علاءالدوله سمنانی را نامعقول (بی‌نا، بی‌تا: ۴۴ و ۴۶)، گفته‌های ابن‌عربی را نامعقول، مزخرف و پا در هوا (بی‌نا، بی‌تا: ۶۲) و تأویلات روزبهان را خلاف عقل (بی‌نا، بی‌تا: ۳۰) می‌شمرد.

۳-۱-۲-۲. وجهیت:

در *اصول فصول التوضیح*، جملات خبری و وجه جمله‌ها بیانی است. قمی و مجلسی هر دو در جایگاه اطلاع دهنده‌اند البته در این اثر قمی مقتدرتر است؛ زیرا ابتدا او جملات خبری را در توصیف رخدادهای اعتقادی، گفتاری و رفتاری صوفیه بیان می‌کند و مجلسی در دفاع از تصوف جملات خبری‌اش را ذکرمی‌کند. در مناظرهٔ موش و گربه نیز، گربه از موش سؤال‌می‌کند و موش به او پاسخ می‌دهد. در هر دو اثر تعداد جملات خبری بسیار فراوان است؛ زیرا هر دو مشارک برای بازنمایی واقعیت از زاویهٔ دید خود با یکدیگر بحث می‌کنند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

قمی از وجهیت رابطه‌ای نیز بهره می‌گیرد و برای مخاطبان توصیه‌هایی مؤکد دارد. این توصیه‌ها به مانند حکمی است که قاضی قم برای مخاطبانش صادر می‌کند: «یاران نظر کنید و ببینید که این خدا ناشناس بی‌دین چه افتراها زده به هر حال انصاف بدهید، الحذر زین بی‌حیایان الحذر» (بی‌نام، بی‌تا: ۴۶)، «زنهار از این طرز و طور و طریق پرهیزنمایید» (بی‌نام، بی‌تا: ۱۹) اما محمدتقی مجلسی حتی یک بار از جملات الزام‌آور استفاده‌نمی‌کند و این حاکی از اقتدار قمی و موقعیت اجتماعی اوست. عبارات الزام‌آور گاهی ازسوی گربه هم بیان می‌شود: «ای موش الحال تو می‌باید انصاف داشته باشی» اما موش حتی یک بار از جملات الزام‌آور استفاده نمی‌کند که حاکی از اقتدار گربه است.

قمی با استفاده از عباراتی چون «یاران» و «شیعیان»، خود را در کنار مخاطبان قرار می‌دهد تا همگی در یک قطب و در جبههٔ مخالفت با تصوف قرارگیرند؛ یاران! نظرکنید و ببینید که این خدا ناشناس بی‌دین چه افتراهازده (بی‌نام، بی‌تا: ۴۶)!

۳-۱-۳. ساخت‌های متنی

در ساخت‌های متنی، قراردادهای تعاملی و ساخت گسترده‌تر متن مورد توجه است.

۳-۱-۳-۱. قراردادهای تعاملی

هر دو مناظره شامل ویژگی‌های سازمانی گفتگومحور است. در اینجا بر قراردادهای طبیعی شده و پیوندهای ضمنی آن‌ها با روابط قدرت تأکید می‌شود. در *اصول فصول التوضیح*، نوبت گرفتن برای گفتگو به گونه‌ای است که قمی بحث را آغاز می‌کند، مجلسی به او پاسخ می‌دهد و او مجدداً جوابیه‌ای در رد صوفیه و در پاسخ مجلسی می‌نویسد. در این مناظره هرکدام به نوبت در پاسخ به دیگری دفاعیاتش را بیان می‌کند. در آخر نیز این بحث با توصیهٔ قمی پایان می‌پذیرد. در مناظرهٔ موش و گربه نیز گربه از موش سؤال می‌پرسد و موش از سر ناچاری و برای سرگرم کردن گربه به او پاسخ می‌دهد.

۳-۱-۳-۲. ساخت گسترده‌تر متن

در *اصول فصول التوضیح*، محمدطاهر ابتدا به آن دلیل که «در دارالمؤمنینِ قم بعضی دعوی رفتن به سماوات می‌کنند و از چگونگی آسمان‌ها خبر می‌دهند و طایفه‌ای جن را خدمتکاران خانقاه خود می‌دانند و جماعت بسیار از بی‌خردان به ایشان گرویده‌اند»، غیرت دینی‌اش به حرکت درمی‌آید و به نوشتن کتابی در رد صوفیان می‌پردازد» (بی‌نام، بی‌تا: ۱۷-۱۸) و پس از آن قمی با طرح ردیه‌هایی بر

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

تصوف این بحث را گسترش‌می‌دهد و مجلسی نیز به او پاسخ می‌گوید. بدین ترتیب متن با هر ردّ و دفاعی گسترده‌تر می‌شود و هر دو مشارک در صدد پاسخ‌گویی به یکدیگر برمی‌آیند. شیوهٔ پاسخ-گویی دو مشارک به یکدیگر یکسان نیست، چنان‌که در مواردی چون کاربرد لفظ عشق به‌جای شوق و محبت، پوشیدن کسوت‌های پیران این طایفه (بی‌نام، بی‌تا: ۴۹)، استفاده از نای و بعضی دیگر از سازها (بی‌نام، بی‌تا: ۵۴)، مجلسی پاسخی برای قمی ندارد.

مجلسی گاهی بدون استدلال پاسخ قمی را می‌دهد، چنان‌که قمی نعره‌زدن و عشق‌بازی با مردان را به صوفیه نسبت می‌دهد اما مجلسی در پاسخ، حرکات صوفیان را از سر بی‌شعوری می-داند، در مقابل قمی با استفاده از حرف‌های مجلسی به او جواب می‌دهد (بی‌نام، بی‌تا: ۱۴ و ۱۸-۱۹) یا هنگامی که قمی طریقهٔ صوفیان را طریقهٔ پیروان حلاج و امثال آن‌ها می‌داند، مجلسی بی هیچ دلیلی آن‌ها را محقق و موحد می‌خواند و ادعا می‌کند که جمیع علمای صوفیه، مذمت حلاج کرده‌اند (بی‌نا، بی‌تا: ۲۱- ۱۹)، این در حالی است که مجلسی خود بعداً از حلاج دفاع می‌کند. در اینجا مجلسی و قمی هر دو حلاج را رد می‌کنند. مجلسی بدون استدلال و البته بعدها از حرف خود بازمی‌گردد، اما قمی با استناد به کتب معتبر شیعه.

مجلسی گاهی نیز به تناقض‌گویی می‌افتد، چنان‌که قمی با استناد به کتب شیعه، حلاج و بایزید را رد می‌کند (بی‌نا، بی‌تا: ۲۴-۲۳) اما مجلسی در پاسخ او روایاتِ کتب شیعه را اقوال غیرمعلوم جمعی از جَهَله می‌داند (بی‌نا، بی‌تا: ۲۳) و به *شرح تجرید* استناد می‌جوید که در آنجا بایزید، سقای امام جعفر بوده (بی‌نا، بی‌تا: ۲۷)، درحالی‌که قمی به گفتهٔ علامه حلی در *خلاصه* استناد جسته که حلاج را لعن‌کرده و مجلسی با وجود اینکه در جواب قمی، استنادِ او به گفته‌های بزرگان شیعه را جمعی جهله خوانده، برای اثبات گفته‌هایش به گفتار علامه حلی ارجاع می‌دهد که براساس آن بایزید به سقاییِ امام جعفر افتخار می‌کرده است.

مجلسی گاهی نیز پاسخ‌های بی‌ربط می‌دهد؛ ملامت صوفیه را از بابت ملامت حضرت علی می‌داند (بی‌نا، بی‌تا: ۵۱-۴۹) و توضیحات دیگری می‌آورد که مناسبتی با رد قمی ندارد یا قمی، عشق‌بازی با دختران و پسران، رغبت نداشتن به مسجد و نماز جماعت و دیگر سنت‌های پیغمبر و یکسانی کفر و ایمان در هنگام کمال را نزد این طایفه مذمت می‌کند اما مجلسی این رفتارها را مختص عوام می‌داند نه خواص صوفیه (بی‌نا، بی‌تا: ۷۴- ۷۵).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

قمی با استناد به کتب معتبر شیعه یا کتب خود صوفیه به رد آن‌ها می‌پردازد. وی برای اثبات گفته‌هایش ذره‌ای در رد صوفیه کوتاه نمی‌آید، تاآنجاکه گاه در رد صوفیه مجبور است، برخی از واقعیت‌ها را نادیده بگیرد؛ مثلاً آنجا که قمی معتقد است، تصوف در شهرهای شیعه‌نشین رواج نداشته، باید گفت، شهرهای شیعه‌نشین به مواردی که قمی ذکر می‌کند، محدود نمی‌شود بلکه مردمان شهرهایی چون بغداد و کاشان نیز شیعه بوده‌اند (رک جعفریان، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۲). و در این شهرها خانقاه‌هایی وجودداشته است (رک کیانی، ۱۳۶۹: ۱۶۸- ۱۶۴ و ۲۴۲). همچنین «تشیع تا قرن ششم ارتباطی با تصوف نداشته اما زمانی که تصوف رواج عمومی یافته، بر محافل شیعه هم تأثیرگذاشته (جعفریان، ۱۳۸۷: نیز رک ۶۰- ۵۶) ، چنان‌که سید حیدر آملی یکی از دغدغه‌های جدی‌اش برقراری وحدت بین تشیع و تصوف بوده است (رک صلواتی، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۰ و جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۱۳). همچنین مؤلفان کتب تصوف، نام بعضی علویان را که واقعاً صوفی بوده‌اند، ذکرکرده‌اند (شیبی، ۱۳۸۷، ۶۵) یا قمی معتقد است، فقط پادشاهان سنی به صوفیه توجه می‌کرده‌اند اما بنیان‌گذاران سلسلهٔ صفویه خود هم شیعه بوده‌اند و هم صوفی (رک جفعریان، ۱۳۸۸، ج۱: ۱۵-۱۴) یا قمی معتقد است، بزرگان تصوف از شهرهای شیعه‌نشین نبوده‌اند درحالی‌که افرادی چون معروف کرخی یا جنید بغدادی، اهل یکی از مراکز تشیع بوده‌اند.

هرچند مجلسی و قمی هر دو چله‌نشینی (بی‌نا، بی‌تا: ۴۳) و طلب علم (بی‌نا، بی‌تا: ۴۱- ۳۹) را قبول دارند اما در این باره هم با یکدیگر مشاجرهٔ لفظی دارند.

در تمثیل موش و گربه، گربه از همان ابتدا هدفش را با ذکر واقعه‌ای بیان‌می‌کند؛ موش‌ها به حجرهٔ طالب علم حمله‌کرده بودند و کتاب و دوات او را می‌خورده‌اند و گربه مأمور شده تا موش‌های آن حجره را شکار کند و طالب علم بدو علم آموخته، ازطرفی موش هم در بقعهٔ شیخ سعدی مجاور بوده و صوفی شده است (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۳). گربه در ابتدا موش را به دام می‌اندازد اما با بی‌عقلی او را از دست می‌دهد و دوباره سعی در به دام انداختن او دارد. بنابراین گربه بحث تصوف را آغاز می‌کند و با سرگرم‌کردن و فریب موش، طرح و توطئه‌اش را به انجام می‌رساند و درنهایت به نتیجهٔ مطلوب خود دست می‌یابد و موش را می‌خورد. این دو برای منحرف کردن ذهن همدیگر از آنچه در ذهن دیگری می‌گذرد، به این مناظره روی می‌آورند. در این مناظره گفته‌های موش بدون استدلال است اما گربه در پاسخ به او از حدیث، حکایت و آیات قرآن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

بهره می‌گیرد. حکایت‌هایی که گربه در پاسخ دفاعیه‌های موش بیان می‌کند، حاکی از حماقت صوفیه، عوام‌فریبی آن‌ها و تبعیت کورکورانهٔ این طایفه است. وی با ذکر برخی کرامات نامعقول صوفیه از او اعتراف می‌گیرد که «آن چنان کسان که ایشان را صاحب کشف و کرامات خوانند و پیر خود می‌دانند، کودنان بی‌عقل و شعورند و یا دیوانه و یا کافر خواهند بود» (بهائی، ۱۳۸۷: ۱۷۷) و بدین ترتیب با تمسک به آثار صوفیه از موش که طرفدار تصوف است اعتراف‌می‌گیرد.

۲،۳. سطح تفسیر

گزارهٔ ایدئولوژیک قمی، سنی بودن صوفیان است. وی با طرح بحث‌هایی ازقبیلِ اینکه هرگز این طریقه میان شیعیان رواج نداشته است به این دلیل که در شهرهای قدیمی شیعه، خانقاه قدیمی نیست؛ در کتاب‌های علمای شیعه، از شیعیانِ خانقاه‌نشین صاحبِ وجد و سماع، نامی برده نشده است؛ فقط پادشاهان سنّی، به صوفیه توجه می‌کرده و برای آن‌ها خانقاه می‌ساخته‌اند (بی‌نام، بی‌تا: ۳۲)؛ اولیای صوفیان از سنیان‌اند و از شهرهای شیعه‌نشین نیستند (بی‌نام، بی‌تا: ۳۵- ۳۴) و دشمنی صوفیان با امامان (بی‌نام، بی‌تا: ۴۱) تلاش‌می‌کند تا از این طریق تصوف را در بستری اجتماعی که اساس مذهب آن بر تشیع است مردود اعلام‌کند اما گزارهٔ ایدئولوژیک مناظرهٔ موش و گربه مبتنی‌بر حماقت صوفیه است.

ارزش‌های ایدئولوژیک واژگان تجربی گویای آن است که قمی قصددارد، با انتقاد از اعتقادات متصوفه از اساس آن‌ها را نامشروع بداند و از این طریق تصوف را از صحنهٔ اجتماع حذف کند. وی با طرح رخدادهایی چون عشق‌بازی صوفیان با امردان، دختران و پسران، در صددِ بی‌اعتباری آن‌هاست اما در مناظرهٔ موش و گربه، گربه فقط بر برخی رخدادهای رفتاری صوفیان که چهرهٔ تصوف را مخدوش‌کرده، می‌تازد تا تصوف واقعی را از تصوف دروغین متمایزکند اما اعتقادات آن‌ها را از اساس بی‌پایه نمی‌داند. از طریق همین عباراتِ دارای ارزش تجربی، تفاوت‌های ایدئولوژیک منتقدان روشن می‌شود، ردیه‌نویسانی که از اساس با تصوف مخالف‌اند، اعتقادات آن‌ها را زیر سؤال می‌برند و سعی در حذف آن‌ها دارند اما جبههٔ اصلاحی- انتقادی فقط سعی در اصلاح این طریقت دارد. همچنین ردیه‌نویسان صوفیان را به تمسخرمی‌گرفتند و شخصیت مشایخ صوفیه را با انتساب عبارت‌هایی که دورافتادن آن‌ها را از دین و ائمهٔ اطهار بیان می‌کند، تخریب می‌کردند و آن را به همهٔ صوفیان تعمیم می‌دادند البته دفاعیه‌نویسان در جانبداری صوفیه صفاتی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

نیکو برای آن‌ها برمی‌شمردند اما بمانند ردیه‌نویسان نمی‌توانستند شخصیت طرف مقابل را تخریب کنند و کم‌تر از ردیه‌نویسان موفق بودند. قمی بسیار بیشتر از عبارت‌های مخالفت‌جویانه بهره می‌گیرد و با گربه در کودن، بی‌عقل، بی‌شعور و کافر خواندن صوفیان مشترک است.

در رمزهای نهفتهٔ واژگان رابطه‌ای، خطاب‌های قمی و مجلسی نسبت به یکدیگر ایدئولوژیک است و طنز نهفتهٔ در آن‌ها حاکی از ناسازگاری هر دو مشارک با یکدیگر است. قمی علاوه بر آن‌که با تصوف مخالف است، با مدافعان تصوف نیز سر ناسازگاری دارد، ازاین‌رو مجلسی را با عبارات توهین‌آمیز خطاب‌می‌کند هر چند مجلسی نیز جاه و قدرت قمی را به رخ می‌کشد اما محترمانه‌تر سخن‌می‌گوید. در مناظرهٔ موش و گربه، هنگامی که موش در چنگال گربه اسیر است با احترام با او صحبت می‌کند و جانب ادب را نگاه می‌دارد اما هنگامی که از چنگال او فرار می‌کند، گربه را ظالم و بی‌عقل خطاب می‌کند و در خطاب‌هایش هر لحظه به رنگی درمی‌آید. بدین ترتیب مشارکان برای حفظ وجههٔ یکدیگر تلاشی نمی‌کنند.

ردیه‌نویسان از طریق تصویرسازی، صورتی از کم‌عقلی و سفاهت صوفیان می‌سازند؛ قمی، بیابان گمراهی آن‌ها را دربرابر شاهراه طریقت نبوی قرار می‌دهد و با قراردادن صوفیان و پیروان پیامبران در دو مسیر راه و بی‌راهه آن‌ها را از همدیگر جدا و دو قطبی می‌کند. در مناظرهٔ موش و گربه، مشارکان اصلی خود استعاری‌اند و یکی نماد قدرت و برتری بر دیگری است.

ارزش‌های ایدئولوژیک کاربردهای دستوری در آن است که کنشگرانِ جملات، کاملاً مشخص‌اند و نشان از آن دارد که مشارکان قصددارند بر حضور صوفیان در متن پافشاری کنند. قمی با اسم‌سازی و صفت‌سازی برای مشایخ صوفیه قصد دارد تا چهرهٔ آن‌ها را مخدوش‌کند و با تابعان حلاج و بایزید خواندن صوفیان می‌خواهد بر این‌که اصل آموزه‌های رفتاری و اعتقادی آن‌ها از حلاج و بایزید است پافشاری‌کند و آن‌ها را از انتساب به ائمه مبراکند. ازآنجاکه مسئلهٔ اقتدار قمی و همچنین گربه در ارتباط با مشارک دیگر مطرح است، وجهیت رابطه‌ای از جانب این دو در متن‌ها دیده می‌شود که البته میزان بالاتر الزام‌های قمی، نشانهٔ اقتدار بیشتر و موقعیت اجتماعی اوست.

ارزش‌های ایدئولوژیک این دو متن در ساخت‌های متنی بدین گونه است که مدیریت مناظره‌ها در دست ردیه‌نویسان است و به اختیار خود هر ردی را بخواهند بر صوفیه وارد می‌کنند و مدافعان

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

به ناچار به همان ردیه‌ها پاسخ می‌گویند و اختیاری در طرح موضوعی ندارند. مشارکان قدرتمند غالباً در جایگاهی قراردارند که ماهیت و مقاصد تعامل را در همان آغاز تعیین‌می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا بحثی بی‌ربط مطرح شود. در این دو متن از نظام گفتگو بهره گرفته شده تا خواننده یک طرف را برگزیند؛ گرایش به تصوف یا رویگردانی از آن اما متن‌ها به گونه‌ای پیش‌می‌رود که گرایش ضد تصوف بر خواننده تحمیل‌می‌شود.

شگردهای قمی در رد صوفیه آن است که از حرف‌های مجلسی علیه خود او استفاده می‌کند، به کتب معتبر شیعه استناد می‌جوید، از رفتارها و گفتارهای صوفیه برای رد آن‌ها بهره می‌گیرد، برخی از واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرد، هیچ‌کدام از دفاعیات مجلسی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد و حتی در موضوعی که با مجلسی هم‌رأی است، جدل می‌کند اما مجلسی گاهی دربرابر قمی پاسخی ندارد، بدون استدلال بحث می‌کند، به تناقض می‌افتد و پاسخ‌های بی‌ربط می‌دهد، به همین دلیل مجلسی هرچند از تصوف جانبداری‌می‌کند با این حال استدلال‌هایش به پای شبهات محکم و مستدلّ قمی نمی‌رسد و قمی استدلالات محکم‌تری بیان می‌کند. گربه نیز برای رد تصوف از آثار صوفیه بهره می‌گیرد و از حکایت‌ها استفاده می‌کند و پس از به دام انداختن موش، تصوف واقعی را معرفی می‌کند و هنگامی که موش تحت فشار است برای تأیید گفته‌هایش از او اعتراف می‌گیرد و بدین ترتیب گربه حق را به جانب خود می‌دهد و خواننده را اقناع می‌کند.

۳-۳. سطح تبیین

صورت‌بندیِ ایدئولوژیک- گفتمانی مسلط سلسلهٔ صفویه دربرابر تصوف متفاوت بود؛ با قدرت صوفیه روی کار آمد اما به نابودی آن‌ها منجر شد. ردیه‌نویسان در راستای حفظ صورت‌بندی ایدئولوژیک- گفتمانی مسلط حرکت می‌کردند و سعی در به حاشیه راندن رقیب داشتند اما دفاعیه‌نویسان در تضعیف این صورت‌بندی می‌کوشیدند. جریان بین‌بین این دو جبهه گروهی بودند که با دیدگاه اصلاحی-انتقادی سعی‌می‌کردند تا تصوف واقعی را در صحنه حفظ‌کنند. ردیه‌نویسان با تمام قدرت با شگردهایی چون مسخ اعتقادات صوفیه و واردکردن اتهامات اخلاقی سعی می‌کردند تا تصوف را از صحنهٔ اجتماع حذف‌کنند. این متون با تمسخر تصوف، استعاره‌سازی، اسم‌سازی، صفت‌سازی و مخدوش‌کردن چهره‌های برجستهٔ این طریقت آن‌ها را بی‌اعتبار می‌کردند. در مقابل، دفاعیه‌نویسان هرچند با تمام قوا به جانبداری از صوفیه پرداختند اما شگردهای

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

آن‌ها چندان مؤثر واقع نشد. جبههٔ اصلاحی- انتقادی نیز با انتقاد از رفتارهای ناپسند صوفیه و با تلاش در به حاشیه‌راندن تصوف بازاری و دروغین هرچند در برخی از شگردها از قبیل استعاره‌سازی، اسم‌سازی و صفت‌سازی برای صوفیه تاحدی با ردیه‌نویسان همراه شد اما در هدفش که حفظ هویت واقعی تصوف بود، چندان توفیقی به‌دست نیاورد، به همین دلیل این جبهه نیز در حاشیه حرکت می‌کرد. موقعیت اجتماعی ردیه‌نویسان و همسانی تفکرات آن‌ها با نظام‌های قدرت، اقتدار و قدرتی به آن‌ها داد که با حکم‌هایی الزام‌آور، تصوف را در قطب منفی جامعه جا دادند و به بیگانه‌سازی آن‌ها پرداختند و با قرار دادنِ خود در قطب مثبت به برجسته‌سازی خود دست یافتند اما دفاعیه‌نویسان دربرابر نظام‌های حاکم مجبور شدند، به شیوه‌های اقناعی کفایت کنند و نتوانستند اعتبار از دست رفتهٔ تصوف را بازگردانند. در کشاکش قدرت‌های ایدئولوژیک، ردیه‌نویسان با استدلال‌هایی محکم، تصوف را به حاشیه راندند و استدلال‌های ضعیف دفاعیه‌نویسان نتوانست به نفع تصوف کاری انجام دهد. جبههٔ اصلاحی-انتقادی نیز جریان به حاشیه‌رانی تصوف را موقتی قلمدادکرد و دعوای شیخ و صوفی را به شوخی گرفت و آن را در بازی موش و گربه به نمایش درآورد. این جبهه به وضعیت حاکم قانع شد اما در انتظار فرصتی بود تا تصوف جانی دوباره بگیرد و قدرت پیشین را به‌دست‌آورد.

مدیریت این جدال‌ها در دست ردیه‌نویسان بود و اجازه نمی‌دادند، فردی خارج از مباحث آن‌ها در این جدال وارد شود. محکم‌ترین شگرد ردیه‌نویسان حذف صوفیان به دلیل سنی بودن آن‌ها بود اما در این میان سهم شیخ صفی‌الدین اردبیلی تحت تأثیر قدرت حاکم بر اندیشه‌های سیاسی و تاریخ عصر محفوظ ماند و نام شیخ صفیِ صوفی در کنار نام بزرگان شیعه باقی ماند.

طریقه‌ای که فقیر در محبت و شوق اختیار نموده‌ام طریقهٔ عارف کامل شیخ صفی است و شیخ ورّام بن ابی‌فراس و ابن‌طاووس و احمد بن فهد حلی و ملا احمد اردبیلی و غیر ایشان از عارفان شیعه رحمه الله علیهم (بی‌نام، بی‌تا: ۱۷).

نتیجه:

صفویان که با قدرت صوفیان قزلباش به حکومت رسیده بودند، از همان ابتدای حکمرانی به تضعیف صوفیه پرداختند اما مقام مرشد کامل همچنان برای شاه محفوظ ماند و فعالیت صوفیان به توحیدخانه‌ها محدود شد. مبارزهٔ حکومت با صوفیان آشکار بود، اما سیاست‌های دوگانهٔ صفویان

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

وجود صوفیانی که شاه را مرشد کامل می‌دانستند، دربرابر فقیهانی که از سوی شاهان تقویت می‌شدند- مجالی برای بیان افکار موافقان و مخالفان تصوف ایجادکرد، چنان‌که نخستین ردیه‌های مستقل که در دست است، در همین دوره و ازسوی فقیهی به نام محمدطاهر قمی به رشتهٔ تحریر درآمد. از طریق تطبیق مؤلفه‌های دو اثر مذکور روشن می‌شود، ردیه‌نویسان که هم‌فکران قمی و از فقهای شیعه بودند به صورت کاملاً آشکار درصدد به حاشیه راندن رقیب و حذف او از صحنه بودند، البته مدافعان که افرادی چون محمدتقی مجلسی بودند، به جانبداری از تصوف می‌پرداختند اما تعداد آن‌ها دربرابر حریف محدودتر بود و استدلال‌هایشان ضعیف‌تر بنابراین در این مبارزه چندان توفیقی به‌دست‌نیاوردند.

در کنار این دو گروه که با تمام قوا دربرابر هم ایستاده بودند، برخی مانند هم‌فکران نویسندهٔ مناظرهٔ موش و گربه، موضعی اصلاح‌گرایانه و انتقادی نسبت به تصوف اختیار کردند و با گفتمانی نرم‌تر و اصلاحی سعی‌کردند تا ساحت تصوف واقعی را از رفتارهای ناشایست صوفیانه مبرا کنند اما در همین مبارزهٔ نرم نیز تصوف مغلوب بود. این گروه حکمی برای تصوف صادر نمی‌کردند و با تعریف تصوف واقعی، قضاوت را برعهدهٔ خواننده می‌گذاردند و به گونه‌ای اقناعی سخن می‌گفتند اما ردیه‌نویسانی چون قمی حکم صادر می‌کردند و از مناصب خویش در صدور این حکم بهره می‌جستند.

در این رویارویی، دفاعیات صوفیه ضعیف‌تر و غیر مستندتر است، درمقابل ردیه‌ها معقول‌تر و مستدل‌تر به نظرمی‌آید و این بدان دلیل است که ردیه‌ها براساس اعتقادات، گفتارها و رفتارهای صوفیان که اختراعی است، شکل‌می‌گیرد و برای بیشتر آن‌ها دلیلی منطقی وجود ندارد بنابراین افرادی که درصدد دفاع از تصوف هستند، معمولاً نمی‌توانند دلایلی منطقی و مستند بیابند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. از این اثر چندین نسخهٔ خطی موجود است و برای نخستین بار به کوشش رسول جعفریان به صورت جزوه‌ای تکثیر شد که تاریخ مقدمهٔ آن ۱۳۸۰ است. پس از آن جعفریان صفحاتِ ۶۰۵ تا ۶۵۸ کتاب *صفویه در عرصهٔ دین، فرهنگ و سیاست* را به این اثر اختصاص داد.

۲. نسخه‌های خطی موش و گربه بدین شرح است: شمارهٔ ۱۰۹۹۸ موزهٔ بریتانیا با تاریخ کتابتِ ۱۱۶۸ (Meredith, 1968: 46)؛ شمارهٔ ۳۱۷۴ ملی تبریز با تاریخ کتابتِ ۱۲۰۸ (سید یونسی، ۱۳۴۸:

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

۳۸۸)؛ شمارهٔ ۷۱۹ مسجد اعظم قم با تاریخ کتابتِ ۱۲۲۹ (استادی، ۱۳۶۵: ۴۰۲)؛ شمارهٔ ۱۶۴۴۸ آستان قدس با تاریخ کتابتِ ۱۲۴۰، (فاضل هاشمی، ۱۳۸۰: ۲۷۹)؛ شمارهٔ ۱۰۵۷۴-۵ ملی با تاریخ کتابتِ ۱۲۴۶؛ شمارهٔ ۲۸۵۸ مرعشی با تاریخ کتابتِ ۱۲۵۴ (حسینی، ۱۳۷۱: ۶۱)؛ شمارهٔ ۵۰۳ ملک با تاریخ کتابتِ ۱۲۵۶ (افشار، ۱۳۵۴: ۱۹۴)؛ شمارهٔ ۱۸۷- ج دانشکدهٔ ادبیات با تاریخ کتابتِ ۱۲۶۰ (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹: ۱۹۰)؛ شمارهٔ ۲۴۳ دانشکدهٔ ادبیات با تاریخ کتابتِ ۱۲۶۲ (دانش‌پژوه، ۱۳۴۱: ۷۰)؛ شمارهٔ ۶۷۵۹-۵ ملی با تاریخ کتابتِ ۱۲۷۳؛ شمارهٔ ۵۶۸۱ مجلس با تاریخ کتابتِ ۱۲۷۸ (حایری، ۱۳۴۸: ۱۳۶)؛ شمارهٔ ۲۲۰۸ مرکزی دانشگاه، کتابتِ قرن سیزدهم (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰: ج ۹، ۸۸۷)؛ شمارهٔ ۳۰۰ امام عصر شیراز، کتابتِ قرن سیزدهم (برکت، ۱۳۷۴: ۲۹)؛ شمارهٔ ۵۹۹ گوهرشاد، کتابتِ قرن سیزدهم (فاضل، ۱۳۶۵: ۷۱۷)؛ شمارهٔ ۳۳۴۰ مرکزی دانشگاه با تاریخ کتابتِ ۱۳۰۴ (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰: ج ۱۱، ۲۳۲۸)؛ شمارهٔ ۶۳۳۸-۵ ملی، بدون تاریخ کتابت؛ شمارهٔ ۱۲۲ مولوی مشهد، بدون تاریخ کتابت (دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۲۱)؛ شمارهٔ ۳۱۳ کاما، بدون تاریخ کتابت (غروی، ۱۴۰۶: ۵۰)؛ شمارهٔ ۱۵۷۶۹ مجلس، بدون تاریخ کتابت، (نظری، ۱۳۹۲: ۵۵).

۳. کتاب‌های چاپ سنگی این اثر بدین شرح است: شمارهٔ ۵۲۱۵-۶ ملی با تاریخ کتابتِ ۱۳۰۳؛ شماره‌های ۳۴۴۵۴-۶ و ۱۰۶۳۶-۶ ملی، با تاریخ کتابتِ ۱۳۲۵؛ شمارهٔ ۶۲۱۸-۶ ملی با تاریخ کتابتِ ۱۲۸؟.

۴. کتاب‌های چاپ سربی این اثر بدین گونه است: شماره‌های ۱۸۵۲۹-۸ و ۱۵۳۹۵-۸ ملی، در سال ۱۳۴۶؛ شمارهٔ ۱۲۰۷۸-۸ ملی، در سال ۱۳۷۳ ق.

۵. این اثر گاه به صورت مستقل و گاه به همراه آثاری دیگر چاپ شده و بلال عبّاس آن را با عنوان *التدین و النفاق بلسان القط و الفار* به زبان عربی ترجمه کرده است.

کتاب‌نامه:

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- استادی، رضا. (۱۳۶۵)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مسجد اعظم قم*، قم: مسجد اعظم.
- بی‌نام. (بی‌تا، تاریخ مقدمه ۱۳۸۰)، *اصول فصول التوضیح*، به کوشش رسول جعفریان، بی‌جا: بی‌نا.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]

- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۳)، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۶)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران: علم.
- ـــــــــــــ . (۱۳۸۸)، *سیاست و فرهنگ روزگار صفوی*، تهران: علم.
- ـــــــــــــ . (۱۳۹۱)، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ـــــــــــــ . (۱۳۸۷)، *نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی*، تهران: علم.
- دوانی، علی. (۱۳۷۰). *علامه مجلسی*، تهران: امیرکبیر.
- شیبی، کامل مصطفی. (۱۳۸۷). *تشیع و تصوف تا آغاز سدهٔ دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- شیخ بهایی، محمد. (۱۳۸۷). *کلیات اشعار شیخ بهائی: شامل پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش و غزلیات، مثنویات، اشعار پراکنده، رباعی*، با مقدمهٔ سعید نفیسی، تهران: اهورا.
- صلواتی، عبدالله. (۱۳۸۹). *سید حیدر آملی و تفسیر محیط الاعظم*، زیر نظر اکبر ثقفیان و علی اوجبی، چاپ دوم، تهران: خانهٔ کتاب.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجمان فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیانی، محسن. (۱۳۶۹). *تاریخ خانقاه در ایران*، تهران: کتابخانه طهوری.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.52547/pje.13.25.221]